

# رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران

دکتر جلیل ایران محبوب<sup>۱</sup> و مریم مختاری<sup>۲</sup>

## چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های ازدواج جوانان در ایران پرداخته شده است. این پژوهش، با استفاده از رویکرد جریان زندگی، تغییرات بینشی و الگوی رفتاری ازدواج جوانان در سالهای اخیر و معضلات موجود در این راستا را مورد کنکاش قرار می‌دهد. تجرد افزایش قطعی، شکاف سنی در ازدواج جوانان، افزایش طلاق و حرکت از ازدواج ترتیب یافته به ازدواج‌های عاشقانه از ویژگی‌های ازدواج جوانان می‌باشد. چرائی چنین ویژگی‌هایی، در جریان زندگی جوانان که در سه بعد زمان فردی، تاریخی و اجتماعی وجود دارد، جستجو شده است. در پایان، براساس تحلیل داده‌ها در چارچوب رویکرد جریان زندگی، الگوی ازدواج جوانان ارائه شده است.

## واژگان کلیدی

ازدواج جوانان، رویکرد جریان زندگی، الگوی رفتاری ازدواج

---

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

## مقدمه

ازدواج جوانان نوعی اتصال اجتماعی بین زن و مرد تلقی می شود. این امر - ازدواج - یکی از بنیادیترین مسائل مربوط به جوانان می باشد. تعریفی که در اینجا می توان از ازدواج ارائه نمود این است که: ازدواج عبارت از یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین زن و مرد است که موجب شروع یک زندگی مشترک می شود. به این ترتیب، آنها در غم و شادی و لذت و رنج یکدیگر سهیم می شوند و مشکلات زندگی را به یاری همدیگر حل می کنند.

ازدواج یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی و فرهنگی ست که هم از تحولات جوامع تأثیر می پذیرد و هم بر تحولات خانواده تأثیر گذار می باشد. امروزه الگوهای ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختی، تغییر ایده ها و اشاعه آن و نیز متأثر از جایگاه جوامع در گذار از سنت به مدرنیته دچار تغییر چشمگیری شده است. به علاوه، تغییر ساختار الگوی ازدواج در دهه گذشته، که به تبعیت از کشورهای توسعه یافته صورت گرفته، با ارزشها و هنجارهای اجتماعی مرسوم و یا قانونی در تضاد قرار گرفته است. دعاوی خانوادگی، دادگاههای شلوغ، افزایش روزافزون طلاق و کاهش نرخ ازدواج در جامعه شواهدی دال بر نابسامانی ازدواجها در جامعه کنونی هستند. تضادهای به وجود آمده بویژه در قالب شیوع ازدواجهای مبتنی بر عشق و علاقه به جای ازدواجهای ترتیب یافته سابق، به مسأله غامضی تبدیل گردیده که لازم است در جریان زندگی جوانان مورد بررسی قرار گیرد.

در دین اسلام ازدواج نوعی رفتار شریف و نیکو و تکمیل کننده ایمان قلمداد شده است. آموزه های دینی، بالطبع در تصمیم گیری امر ازدواج اثر می گذارد. پیامبر اکرم

(ص) می فرمایند: «مردان مجرد را زن دهید تا خدا اخلاق شان را نیک و ارزاق شان را وسیع و جوانمردی شان را زیاد فرماید» (ذوالفقاری، ۱۳۷۷: ۲۳۳). از آنجا که ازدواج بنیان شکل گیری خانواده و خانواده مأمونی برای جامعه پذیری کودکان و آرامش روانی اعضای خانواده می باشد، پرداختن به این موضوع و بررسی وضعیت آن در بین جوانان دارای اهمیت می باشد.

هدف از این پژوهش بررسی جریان زندگی جوانان در رابطه با ازدواج و شناخت چگونگی شکل گیری ازدواج و ملاکها و معیارهائی است که در روند تصمیم گیری نقش دارند. به این ترتیب، ابتدا تلاش می کنیم تا جریان زندگی کنونی جوانان را بشناسیم؛ چرا که جریان زندگی، ازدواج و تصمیم گیری جوان را تحت الشعاع قرار می دهد. در واقع جریان زندگی تحولاتی رویداده در دهه اخیر، مانند: تغییرات فرهنگی، اجتماعی، مسائل و تنگناهای اقتصادی، سیاست گذاریها و تجربه فردی مرتبط با ازدواج می باشد که جوانان با آنها مواجه هستند. به این ترتیب، باید دید که آیا مشکلاتی مانند طلاق و دعاوی خانوادگی به جریان زندگی افراد مرتبط است یا خیر؟

تفاوت این رویکرد با رویکردهای دیگر نظیر کنش متقابل گرائی نمادین یا کارکرد گرائی آن است که دو رویکرد اخیر، به طور همزمان سطوح خرد و کلان و یا توجه به بعد تاریخی و زمان حال را در بررسی پدیده ها مد نظر قرار نمی دهند. اما رویکرد جریان زندگی درصدد است تا سطوح خرد و کلان را به همراه سه بعد زمانی تاریخی، فردی و اجتماعی مدنظر قرار دهد. به این ترتیب، در پژوهش حاضر رویکرد جریان زندگی، که به صورت همه جانبه موضوع ازدواج جوانان را مدنظر قرار می دهد، مورد استفاده قرار گرفته است.

## مطالعات پیشین

مطالعاتی که قبلاً انجام گرفته، یا بیشتر به نگرش سنجی پیرامون معیارهای ازدواج مربوط می شود و یا به عواملی می پردازد که سبب تأخیر در سن ازدواج می شوند. شهابی در مقاله ای با عنوان «چه موقع مردم تصمیم به ازدواج می گیرند» بلوغ فکری و عاطفی و استقلال اقتصادی را شرط ایده آل برای انتخاب همسر در نظر می گیرد. او استدلال می کند که آموزش جدید، بیکاری، توسعه اقتصادی، گرایش به آموزش سطح بالا، تغییر در خانواده گسترده به خانواده هسته ای، محدودیت کارکردهای خانواده و خویشاوندی از جمله دلایل بالا رفتن سن ازدواج می باشند. (شهابی، ۱۳۷۳).

فرجاد در مطالعه ای با عنوان «مفهوم ازدواج و تغییراتش در ایران» نتیجه گیری نمود که، پدیده ازدواج در ایران، دارای یک چهره دینی انتزاعی شده است. وی برخی فاکتورها نظیر: سطح بالای آموزش، مسائل اقتصادی و افزایش در بازآفرینی فرصتهای برخورد آزادانه دختر و پسر را در به تعویق انداختن ازدواج موثر می داند. (فرجاد، ۱۳۷۲).

زارع شاه آبادی و همکارش به بررسی عوامل موثر بر معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان یزد پرداخته اند (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۱).

ذوالفقاری و صادقی نیز در دو تحقیق جداگانه به بررسی مشکلات ازدواج جوانان پرداخته اند.

بررسی ازدواج جوانان در استان قزوین پژوهش دیگری است که به وسیله رشوند انجام گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که امنیت شغلی جوانان در تن دادن آنان

به ازدواج موثر است. علاوه بر آن میزان درآمد و پرداخت هزینه های مقدماتی در امر ازدواج جوانان اثرگذار می باشد (رشوند، ۱۳۸۳).

**حق دوست و دیگران نیز در باره نگرش دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور نسبت به عوامل موثر بر ازدواج مطالعه ای انجام داده اند ( حق دوست و دیگران، ۱۳۷۴).**

برخی از پژوهشهای خارجی نیز به بررسی رابطه بین جریان زندگی و ازدواج پرداخته اند، اما آنها به صورت جزئی و نه همه جانبه جریان زندگی را مطمع نظر قرار داده اند.

**مارتین و همکارانش (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «نگرشهای اظهار شده نوجوانان نسبت به ازدواج در زندگی خانوادگی» در بین نوجوانان شهر تکراس انجام داده اند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که تقریباً دو سوم نوجوانان نگرشهای مثبتی نسبت به ازدواج دارند (Matrin, 2003).**

در پژوهش انجام گرفته به وسیله بورگس، درآمد، نقش تعیین کننده ای در تصمیم به ازدواج در بین مردان دارد.

در مطالعه ای که به وسیله مافد انجام گرفته، رابطه بین مهاجرت، به عنوان یک بخش از جریان زندگی و ازدواج مد نظر قرار گرفته است. این تحقیق که بر روی زنان انجام گرفته، حاکی از آن است که در جریان زندگی، ارزیابی زنان از منابع زناشویی تحت تأثیر قرار می گیرد.

پژوهش دیگری که به وسیله آپارانا در باره جریان زندگی و زمان ازدواج در اندونزی انجام گرفته حاکی از آن است که فرایند صنعتی شدن، آموزش و مشارکت نیروی کار به عنوان وجهی از جریان زندگی با ازدواج ارتباط دارد.

بررسی پژوهشهای پیشین نشان می دهد که تحقیق های داخلی در زمینه ازدواج جوانان با رویکرد جریان زندگی انجام نگرفته است. همچنین تحقیق های خارجی، رویکرد جریان زندگی را به وجهی از آن محدود نموده و هر سه بعد زمانی آن را در تحقیق و در ارتباط با ازدواج جوانان مطمع نظر قرار نداده اند.

### چارچوب نظری

ایران محبوب در مقاله ای با عنوان «رهیافت جریان زندگی در مطالعات جمعیت شناختی» به تبیین تغییرات پدیده های جمعیت شناختی در فراگرد جریان زندگی پرداخته است. این مطالعه بر آن است که با استفاده از رهیافت جریان زندگی به تبیین تغییرات در الگوی ازدواج جوانان بپردازد (ایران محبوب، ۱۳۸۲). مردم در لحظات مختلف زندگی، حوادثی را تجربه می کنند که تغییرات مهمی در ساخت زندگانی آنها به وجود می آورد. این حوادث یا نتیجه انتخاب فردی آگاهانه است یا از وقوع حوادث دیگر در شرایطی که آنها در آن زندگی می کنند ناشی می شود. به عبارت دیگر، حوادث رخ داده در زندگی بر رفتار فرد در سطح خرد و کلان تأثیرگذار می باشد.

براساس رویکرد جریان زندگی، وقوع حوادث یا تغییرات در زندگی به طور تصادفی و به طور انتزاعی در خلاء صورت نمی گیرد، بلکه، دارای یک ساخت معین هستند. مفهوم اساسی که مبنای این مسأله را تشکیل می دهد، زمان است. در حقیقت

رهیافت جریان زندگی حداقل سه بعد زمانی را از هم متمایز می‌سازد. بعد اول، زمان بیولوژیکی است و نشان می‌دهد که تجربه‌های اولیه در زندگی بر انتخابهای بعدی شخص در زندگی تأثیر خواهد داشت. بعد دوم، زمان تاریخی است این بعد بر تأثیر تغییرات تاریخی بر زندگی افراد اشاره دارد و بعد سوم، زمان اجتماعی است. این بعد شامل تغییرات تقویم سنی اجتماعی مانند نهادها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است (ایران محبوب، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۲). با روشن شدن سه بعد جریان زندگی، در می‌یابیم که تعامل بین این سه بعد در نهایت رفتار فرد را موجب می‌شود.

علاوه بر مفهوم زمان که مفهومی کلیدی است، دو مفهوم دیگر در رویکرد جریان زندگی نقش آفرین هستند و نحوه رفتار فرد را تعیین می‌کنند. این دو مفهوم اصلی در واکاوی جریان زندگی عبارت‌اند از: تغییر یا گذر و مسیر. گذر یا تغییر، حالتی است که در آن نقاط مهم حیات اجتماعی، جریان زندگی مردم را مشخص می‌کند. مفهوم مسیر به مراحل از زندگی اطلاق می‌شود که به دنبال توالی تعیین شده‌ی اجتماعی می‌آید. مسیرها به وسیله گذرها ساخته می‌شوند، در حالی که گذرها در مسیرها تعبیه می‌شوند (همان). می‌توان گذر و مسیر را در سطح خرد و کلان مورد مطالعه قرار داد. به عبارت دیگر، گذر و مسیر در زمان‌های بیولوژیکی، تاریخی و اجتماعی مستتراند. به این معنی که تغییر یا گذر می‌تواند در زمان بیولوژیکی روی دهد و مسیری را برای فرد ایجاد کند. علاوه بر آن، تغییر یا گذر دوره و زمان تاریخی خاصی را ایجاد می‌کند که فرد در آن قرار می‌گیرد. تغییر در زمان اجتماعی از جمله تغییرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ارزشها و هنجارها)، گذر و مسیری را برای فرد تعیین می‌کند که فرد در این گذر دست به انتخابها و در نهایت رفتاری خاص می‌زند (همان).

ازدواج رفتاری ست که در جریان زندگی جوان روی می دهد. رویکرد جریان زندگی می تواند جهت بررسی ازدواج جوانان و روند آن در حال حاضر به کار گرفته شود. با استفاده از این رویکرد، سه زمان بیولوژیکی و تاریخی و اجتماعی مدنظر قرار می گیرد. در واقع، نقش متقابل این سه زمان تعیین کننده شرایط ازدواج نسل جوان امروز می باشد. اگر جوان امروز به عنوان یک نسل در نظر گرفته شود، این نسل در بستر یک زمان بیولوژیکی (تجارب فردی)، زمان تاریخی (تغییرات اجتماعی) و زمان اجتماعی (وجود ارزشها و هنجارها و شرایط اقتصادی و سیاسی) قرار می گیرد و برحسب این سه بعد زمانی دست به انتخاب همسر می زند.

رویکرد جریان زندگی جهت بررسی و نشان دادن وضعیت ازدواج جوانان یک جامعه در برهه‌ای خاص از یک زمان می باشد. ویژگیهای ازدواج جوانان در عصر حاضر به شرایط جریان زندگی بر می گردد که با استفاده از این رویکرد مورد بررسی قرار می گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش اسنادی انجام گرفته است. به این صورت که با استفاده از اسناد و شواهد تجربی، از جمله سرشماریهای انجام گرفته، آمارهای مربوط به نرخ ازدواج و تحقیقات و پیمایشهای انجام گرفته درباره ملاکهای ازدواج جوانان و مشکلات آنان در امر ازدواج، مصاحبه‌های انجام گرفته با صاحب‌نظران و همچنین گزارش‌های مربوط به تغییر در وضع زندگی جوانان ازدواج جوانان، با رویکرد جریان زندگی مورد بررسی قرار گرفت.



## یافته ها

تعریف جوان و جوانی به طور مداوم در جریان تغییرات اجتماعی دستخوش تغییر و تحول می باشد. یک تعریف کلی به بلوغ جسمانی و فکری اشاره می شود، اما زمانی که موضوع ازدواج جوانان مد نظر باشد، علاوه بر این دو، بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز به آن اضافه می شود. بلوغ اجتماعی به معنی هویت شخص در عرصه های اجتماعی و قدرت تشخیص و تصمیم گیری و شرکت در حوزه های مختلف اجتماعی است. بلوغ اقتصادی نیز به توانائی احراز شغل و امرار معاش بستگی دارد. بر این اساس، جوان به کسی گفته می شود که به بلوغ جسمانی و فکری، اقتصادی و اجتماعی رسیده باشد.

تعریف جوان در زمانی که تکنولوژی در سطح پائین قرار داشت، خانواده های گسترده غلبه داشتند و تحرک اجتماعی ضعیف بود، با دوران مدرن که تغییرات اساسی در شکل خانواده و همسرگزینی و تکنولوژی به وجود آورده است بسیار متفاوت بود.

با شروع انقلاب صنعتی شرایط اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی بکلی دگرگون گردید. فعالیت اقتصادی از محیط زندگی فرد جدا شد و فرد ناچار گردید برای احراز شغل، مدت مدیدی را به آموزش بپردازد. بنابراین، رسیدن به سنی که در آن شخص دارای تخصص شود و شغلی احراز کند و در پی آن رسیدن به بلوغ اجتماعی و اقتصادی به تأخیر افتاد.

علاوه بر تحولات صنعتی شرایط جمعیتی و اقتصادی حاکم در هر جامعه، به فراخور زمان بر پدیده‌ی جوانی تأثیرگذار می باشد. امروزه کشور ایران به لحاظ دارا بودن جمعیت جوان در مرتبه دوم جهانی قرار دارد. انفجار جمعیتی موجب شده است که

نسل جوان به سختی بتواند در بعد اجتماعی و اقتصادی مؤلفه های جوانی را کسب کند و لذا در این حالت جوانی به تأخیر می افتد.

برای مطالعه وضعیت ازدواج جوانان در جامعه کنونی، ابتدا می بایست درباره محدوده سنی جوانی، گفته شود. که در حال حاضر متوسط سن ازدواج پسران از ۲۵ به ۲۷ و دختران از ۱۸/۵ به ۲۲/۵ سال رسیده است. به طور کلی سن ازدواج در کشور از ۱۵ سال تا ۳۴ سال است (Online1). به این ترتیب، در این پژوهش جوان به افراد بین سن ۱۵-۳۴ سال گفته می شود که در این سن مبادرت به ازدواج می نمایند و یا در سن ازدواج قرار می گیرند.

این فاصله‌ی زمانی ۱۹ ساله متولدین سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۵۰ را شامل می شود. براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۵-۳۴ ساله فعلی (سال ۱۳۸۴) که در این سال در سن ۶-۲۵ سال قرار داشتند، ۲۹۳۷۴۵۷۹ نفر بودند که ۴۸/۹ درصد جامعه را تشکیل می دادند. در واقع درصد زیادی از جمعیت کشور را جمعیت جوان تشکیل می دهند که از سال ۱۳۵۰ تا کنون جریان زندگی خاصی را دارا بوده اند. جریان زندگی آنان در این سالها دارای سه بعد بیولوژیکی، تاریخی و اجتماعی می باشد. در حقیقت بعد تاریخی و اجتماعی این سالهاست که بر ازدواج جوانان کنونی تأثیرگذار بوده است.

### زمان بیولوژیکی

ازدواج جوان و بروز شرایط ویژه ازدواج حاصل تعامل سه بعد بیولوژیکی، تاریخی و اجتماعی در جامعه می باشد. بعد بیولوژیکی که سبب نوع ویژه ای از رفتار در

مورد ازدواج می شود حاصل تجاربی است که جوان در طول دوره زندگی خود کسب می نماید.

در گذشته، تجارب فرد ناشی از تصمیمها و گفته های پدر و مادر بود که بدون تغییر یا با تغییراتی اندک، از نسلی به نسل دیگر منتقل می گشت. امروزه جوانان از همان اوان کودکی با افراد گوناگون ارتباط برقرار کرده و تجاربی کسب می کنند. جوانی که در گروه دوستان قرار گرفته و صحبتها و رفتار آنها را می شنود و می بیند، تجاربی کسب می نماید که بر رفتار بعدی وی اثر گذار خواهد بود. نتیجه های به دست آمده در تحقیقهای متعدد در مورد ازدواج جوانان، از توجه به ملاکهای ظاهری و سطحی نگرانه حکایت می کند.

در تحقیقی با عنوان «دختران تحصیل کرده و مشکل ازدواج» آمده است که پسرهای تحصیلکرده به ازدواج با دختران تحصیل کرده و با کمال تن نمی دهند. نگرش اغلب پسرهای تحصیل کرده این است که برای ازدواج همسر می خواهیم، نه دختر تحصیلکرده که همکارمان باشد. (Online2). همچنین در پژوهشی که به وسیله زارع شاه آبادی انجام گرفته، پسران در انتخاب همسر به ملاک زیبایی چهره اهمیت می دهند. به علاوه، افرادی که دارای وضعیت اقتصادی بالاتری می باشند، به معیارهای ظاهری نظیر زیبایی چهره بیشتر اهمیت می دهند (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۱: ۷۳).

توجه به ویژگیهای ظاهری یکی از بارزترین ویژگیهای ازدواج نسل جوان امروز است که به بعد بیولوژیکی و بعد اجتماعی مربوط می شود. جوان در روابط گوناگون خود به تجربه در می یابد که هدف از ازدواج بهره بردن از زیبایی ظاهری می باشد. هنگامی که کودک می بیند در خانواده به زیبایی دختر توجه می شود و آن را برجسته می سازند، در

واقع به تجربه در می یابد که ازدواج برای رفع نیاز جنسی ست و لذا در رفع این نیاز، جسم و زیبایی ظاهری اهمیت فوق العاده می یابد. توجه به این ویژگی در امر ازدواج جزئی از جریان زندگی جوانان گردیده است.

جنسیت افراد نیز یکی دیگر از ویژگیهای بعد بیولوژیکی به شمار می آید. زن یا مرد بودن در نگاه و طرز تفکر اثر گذارده و در نتیجه، دو نوع جریان زندگی متفاوت را ایجاد می کند. در واقع هرجنس (زن یا مرد) از دریچه های مختلف به زندگی نگاه می کنند. زنان با شیوه های متفاوت از مردان به جهان می نگرند و این تفاوتها بر جریان ازدواج آنان اثر می گذارد. در پژوهش انجام گرفته بوسیله زارع شاه آبادی بین جنس و معیارهای همسرگزینی رابطه وجود دارد. پسران در گزینش همسر بیشتر از دختران به معیارهای ظاهری اهمیت می دهند. دختران در گزینش همسر بیش از پسران به معیارهای مذهبی بها می دهند (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۱: ۷۳). در واقع نگاه زنان و مردان به ازدواج و انتظار از همسر آینده شان متفاوت است به طوری که زنان ذهنی گرا و مردان عینی گرا ترند.

## زمان تاریخی

بعد تاریخی در برهه ای از زمان، ایجاد کننده جریان اجتماعی خاصی ست که در زندگی فرد و کل جامعه تغییر ایجاد می کند.

جوانان ۳۴-۱۵ ساله، اعم از زن و مرد که در شرایط ازدواج به سر می برند، دارای زمان تاریخی مشابهی هستند و به عبارتی تغییرات تاریخی در جامعه بر وضعیت کنونی آنان اثر گذار بوده است. در ایران از سال ۱۳۵۰ تاکنون سه رویداد مهم تاریخی اتفاق افتاده است که بعد تاریخی جریان زندگی جوانان امروز را شامل می شود. انقلاب

اسلامی بهمن ۱۳۵۷، جنگ تحمیلی و رشد چشمگیر جمعیت بویژه در سال‌های ۶۵-۱۳۶۰ به طوری که تبدیل به یک ویژگی تاریخی شده و با افزایش جمعیت جوانان در این برهه مشکلاتی بر سر راه آنها به وجود آمده است.

انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید که به واسطه آن تغییر شگرفی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی کنونی پدید آمد. این تغییر ساختاری به نوبه خود جریان زندگی جوان امروز را تحت الشعاع قرار داد. تغییر در ساختار سیاسی و تبلور آن در قانون اساسی، موجب تغییر در سایر جنبه‌های زندگی شد. در قانون اساسی بر اسلامی نمودن جامعه و حکومت تأکید گردید و به همین سان، سعی شد تا در برنامه ریزیهای خرد و کلان این تغییر ارزشی نمود پیدا کند. به این ترتیب، در نتیجه انقلاب اسلامی بیش از همه فرایند تغییر ارزشها روی داد. اسلامی نمودن محتوای کتابهای درسی و یا تغییر در تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی از جمله سیاست‌گذاری‌ها به شمار می‌رفت. تغییر در ارزشها علاوه بر بعد رسمی آنها در رفتارهای روزمره هم پدیدار گشت. "قیافه‌های ظاهری، اغلب بدون دستور و زور از بالا، به صورت درونی بتدریج تغییر یافت. خانمهای بی حجاب ابتدا با همان روسریهای متوسط و معمولی یک روسری به سر کشیدند، سپس، روسریها بزرگتر و تیره تر گشت. مسابقات ارزشی شروع شده بود. افرادی که تا آن موقع نماز نمی‌خواندند، امروزه سجاده و تسبیح‌شان را به نمایش می‌گذاشتند" (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۲۹). این سیمای تغییر ارزشها در اوائل انقلاب حاکی از آن است که برحسب نوع انقلاب، یعنی اسلامی بودن، تحولات زیادی به وجود آمد و ساختار جامعه به طور کلی با دوزان قبل از آن متفاوت شد.

در این دوره، روابط و نقشهای جنسیتی جدید بر حسب نگرش دینی به وجود آمد. بسیاری از نقشها بین زن و مرد تفکیک شد. به طوری که زنان نقشهایی که با روحیه زنانه تعریف شده بود را در دست گرفتند و مردان نقشهایی که مردانه تعریف شده بود. به طور کلی نقشهای خانه داری و بچه داری برای زنان مورد تشویق قرار گرفت و مردان بیشتر وارد صحنه اجتماعی و کار توأم با درآمد شدند. البته لازم به ذکر است که تقسیم کار سنتی به این شکل از قبل هم وجود داشت، اما با انقلاب اسلامی توجه دینی پیدا شد و به علاوه جزء سیاست گذاریهای نظام سیاسی جدید شد. با مروری بر محتوای کتب درسی و تغییر برنامه ها و سریالهای تلویزیونی روند جدید و سیستم ارزش گذاری جدید بخوبی نمایان می شود.

بنابراین، با انقلاب اسلامی جریانی جدید به وجود آمد. انتظاراتها از زن و مرد در انجام وظایف متفاوت بود. زن به عنوان جنس لطیف معرفی می شد که می بایست تماس آزاد و راحتی با مردان نداشته باشد. این ویژگیهای نسبت داده شده به زن، او را در جامعه از مرد متفاوت ساخت. این تفاوتها به مرور زمان حساسیت زا شد و تابوهای پیشین را تقویت نمود. با گذشت زمان و با تغییرات به وجود آمده فعلی، این نگرش به یک معضل تبدیل گردید. به این صورت که با آزادیهای به وجود آمده در طی چند سال اخیر و بخصوص بعد از جنبش دوم خرداد ۷۶ حرص و ولع عجیبی در جوانان برای کسب آنچه تاکنون از آن منع شده بودند، پیدا شد. این امکان جدید بعد از یک دوره محدودیت، امروزه سبب تغییر در ازدواج ترتیب یافته<sup>۱</sup> گردیده و جوانان بیشتر در پی داشتن تماس با جنس

مخالف خود هستند تا تشکیل خانواده و ازدواج. روابط گسترش یافته جدید همراه با عوامل دیگر به کاهش تمایل به ازدواج منجر شده است.

برحسب ارزشهای دینی به وجود آمده بعد از انقلاب اسلامی، سنت ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار گردید. این نگرش که با ازدواج در سن جوانی، از آلوده شدن جوانان به مظاهر و مفاسد اخلاقی جلوگیری می شود و با ارزش شناخته شدن ازدواج سبب کاهش سن ازدواج برای دختران و افزایش دامنه ازدواجهای مجدد با تأسی به سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) گردید. تشویق به ازدواج با شکل گیری سنتهای مرتبط با ازدواج، از جمله مهریه، جشن ازدواج، جهیزیه، شرایط طلاق و ... همراه بود. این روند نیز به نوبه خود به ارزشها و سنتهای اجتماعی تبدیل گشت که یک بعد اجتماعی جریان زندگی جوانان در ارتباط با ازدواج را ایجاد نمود.

تا قبل از انقلاب اسلامی، افراد طبقه بالا و بخشی از طبقه متوسط از امکانات تحصیلات دانشگاهی برخوردار بودند. همچنین، بسیاری از افراد طبقه پائین از تحصیلات غیردانشگاهی هم محروم بودند. چنین روندی در گذشته سبب پائین نگه داشتن سطح توقعات و اشباع نشدن فضای اشتغال در سطح بالاتر می گشت. از طرف دیگر، چنین سیاستی زنان را بخصوص به عنوان قشر محرومتر در خانه نگه می داشت که در سن پائین ازدواج می نمودند و چون امکان ترقی برای زنان کمتر بود، زنان نسبت به مردان از یک موقعیت اجتماعی فروتری برخوردار بودند و عمدتاً ازدواجهای صورت گرفته شکل نظم دار داشت.

بعد از انقلاب، ایجاد برابری در امر آموزش، علاوه بر اینکه قشر پائین به سمت آموزش عالی کشاند، سبب شد تا زنان نیز وارد عرصه اجتماعی شوند. در واقع دختران

متولد شده بعد از انقلاب، دیگر در خانه محصور نبودند. فرصت به دست آمده برای زنان در کنار عناصر مردسالارانه و پدرسالارانه جامعه، باعث پدید آمدن برخی تعارضها در ساختار اجتماعی و خانوادگی شد.

از جمله تدابیر و سیاستهای دیگر، جهت ایجاد برابری در این دوره و بعد از انقلاب اسلامی ارائه تسهیلات و کالاهای مادی به شکل کالا برگ به خانواده ها بود. این سیاست - که بعد از انقلاب و در دوره جنگ به عنوان یک بعد تاریخی دیگر جریان زندگی افراد به وجود آمد- به عوض ایجاد برابری و رفع بیعدالتی و فقر، دارای یک کارکرد پنهان و ناخواسته بود. به این ترتیب که به افزایش جمعیت متولدین در سالهای بعد از انقلاب اسلامی منجر شد. نظام جیره بندی کالا برگی بر تعداد عائله خانوارها مبتنی بود و بالطبع، خانواری که از تعداد عائله (فرزندان) بیشتری برخوردار بود، از میزان کالاهای یارانه ای (کوپنی) بیش تر بهره مند می شد. لذا، انگیزه فرزندآوری در بین طبقات متوسط و فقیر جامعه افزایش یافت (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳۸۲). به این ترتیب، در این دوره انفجار جمعیت رخ داد و در پی آن جوان امروز با مشکلات متعدد آموزشی، بهداشتی، و شغلی مواجه شد.

جنگ و نرخ بالای رشد جمعیت در طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ از دیگر ویژگیهای تاریخی مرتبط با جریان زندگی جوانان می باشد. این دو ویژگی در جریان زندگی جوانان در ارتباط با وضعیت ازدواج آنان اثر گذار بوده است. به دنبال افزایش جمعیت در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۶۵-۱۳۵۵) نسبت جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ ساله) افزایش قابل ملاحظه ای داشت. به طوری که نسبت این جمعیت از حدود ۵۲/۶ درصد (۱۷/۵ میلیون نفر)



در سال ۱۳۵۵ به ۵۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ (۳۳/۷ میلیون نفر) افزایش یافت (برنامه سوم توسعه اقتصادی).

در حال حاضر و طبق پیش بینی های انجام گرفته، نرخ رشد جمعیت جوان ۱۵-۲۹ به بالاترین میزان از سالهای ۱۳۵۵-۱۳۸۰ رسیده است. جدول زیر مستندات موجود سن جمعیت جوان بین ۱۵-۲۹ سال را گزارش نموده است.

روند تغییرات و نرخ رشد جمعیت جوان طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۰

سال	جمعیت جوان (نفر)	نرخ رشد سالانه (درصد)
۱۳۳۵	۲۴۳۵۵۰۲	-
۱۳۴۵	۵۶۰۲۴۴۴	۲/۲
۱۳۵۵	۸۵۰۳۰۶۵	۲/۳
۱۳۶۵	۱۳۰۱۳۳۲۹	۲/۳۵
۱۳۷۵	۱۷۰۲۶۶۷۱	۲/۷۲
۱۳۸۰	۲۱۳۱۶۰۷۹	۲/۵۷

مأخذ: ۱- سالنامه های آماری سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ کل کشور و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

همان طور که در جدول دیده می شود، نرخ رشد جمعیت جوان در سال ۸۰ به بالاترین رقم رسیده که نسل سالهای ۵۵-۶۵ را شامل می شود. از آنجا که جمعیت ۴-۵ ساله در سال ۱۳۵۵ از ۵۴۳۹۷۱۳ به ۹۰۴۴۸۲۳ نفر در سال ۶۵ افزایش یافت، در واقع رشد جمعیت جوان در سال ۸۰ به دوران جنگ نسبت داده می شود. به طوری که طی ۱۰ سال، تعداد متولدین نزدیک به دو برابر شده است. (سالنامه های آماری). نرخ بالای رشد

جمعیت در این دوره به عنوان یک پدیده‌ی تاریخی جریان زندگی جوانان را به مسیر خاصی کشانده است.

## زمان اجتماعی

جریان جامعه پذیری را می توان ویژگی اصلی بعد اجتماعی جریان زندگی جوانان در ارتباط با ازدواج آنان دانست. نحوه برگزاری مراسم ازدواج که فرد طی جریان جامعه پذیری می آموزد از جمله ویژگیهای وضعیت ازدواج جوانان است که مشکلاتی را برای جوان امروز فراهم آورده است.

بیشتر پژوهشها و مقاله های منتشر شده درباره ازدواج جوانان نشان دهنده این است که نحوه‌ی برگزاری ازدواج و سنتهای مربوط به آن یک مانع بزرگ فرهنگی در امر تسهیل ازدواج جوانان و مستحکم شدن بنیانهای زندگی خانوادگی می باشد. با نگاهی به سنتهای مربوط به ازدواج و نیز جریان رو به پیشرفت ورود به جلوی تکنولوژی می توان دریافت که جامعه برخلاف مسیر و روند تکنولوژی در برگشت و واپس ماندگی فرهنگی به سر می برد.

بسیاری از رسمها و سنتها و تشریفات دست و پا گیر عملاً دست جوانان را برای ازدواج بسته است. یک نویسنده در این باره می گوید: "جهیزیه که تجهیز زندگی آینده است، از مجهز به خوب اندیشیدن، مدارا کردن، قدرت گفت و شنود، یافتن صبر و شکیبائی و آگاهی بر مهارتهای زندگی تا حد تأمین ملاقه و ملحفه و مبلمان تنزل می یابد و مهریه نیز که پیش بینی تواناسازی اقتصادی زن در بدو ورود به زندگی ست و با تمایل قلبی و

توان اقتصادی مرد باید سازگاری داشته باشد سر از ارقام مجهول‌القدر در می‌آورد" (Online3). در حقیقت جهیزیه و مهریه از عوامل اصلی به تأخیر افتادن سن ازدواج است. علاوه بر جهیزیه و مهریه های سنگین، تجملاتی بودن و اسرافهای مراسم ازدواج جنبه دیگری از سنت غلط به وجود آمده در ازدواج است که جوان را مضطرب و نگران می‌سازد. "در خارج از مرزهای ایران برگزاری جشنهای آنچنانی فقط ویژه یک قشر خاص است، اما، در جامعه ما استفاده از سالنها و باغها با اجاره های بالا برای برگزاری مراسم عروسی یک فرهنگ نهادینه شده است که وارداتی نیز نبوده و معضلی اساسی در مسیر ازدواج جوانان است. تجملاتی بودن مراسم عروسی بسیاری از سرمایه های خرد و کلان افراد را از بانکها بیرون کشیده و به جای استفاده صحیح، مبالغ هنگفتی را سر میزهای جشنهای عروسی قرار داده است" (Online4).

تحول موقعیت زنان در کنار عناصر مردسالارانه از ویژگیهای بعد اجتماعی جریان زندگی است که در ازدواج آنان اثر عمیقی گذارده است. روشهای جامعه پذیری دختر و پسر طبق آموزه‌های دینی جنسیتی حاکی از آن است که زن موجودی ظریف و حساس است که می‌تواند نقشهایی چون پرستاری، خانه داری و معلمی را بخوبی و بسیار بهتر از مردان ایفا کند و مهم‌ترین وظیفه زن طبق آموزه های دینی تربیت بچه و شوهرداری ست. این نگرش بویژه در اذهان مردان نهادینه شده و به تقویت مرد سالاری کمک نموده و مردان با به رسمیت شناختن چنین ویژگیهایی در زن، او را شریک خود می‌سازند. از طرف دیگر، وظیفه مرد نان آوری و کار بیرون از خانه است. مرد سرپرست خانواده به شمار می‌آید و لذا در خانه قدرت برتر است. حال، نظام مرد سالاری با تحول در موقعیت زن در تعارض قرار گرفته است. تنگناهای زندگی زناشویی برای زنان

ناخوش آیند شده و الگوهای سنتی حاکم در خانواده ها با تغییر وضعیت زنان در تعارض قرار گرفته است، لذا زن امروز نمی تواند آنها را بپذیرد. از جمله این تعارض این است که با زنان همانند شهروند درجه دو برخورد می شود و آنان نمی توانند هویتی مستقل از شوهران خود داشته باشند.

تحول در موقعیت زنان به لحاظ تحصیلات از جمله عواملی است که آنان را به عدم پذیرش الگوهای سنتی هدایت می کند. بعد از انقلاب اسلامی و اتخاذ تدابیر برابری فرصتها، زنان به تحصیلات ابتدائی و متوسطه اکتفا نکردند. به این ترتیب، زن دیگر محصور در خانه نیست که منتظر یک ازدواج سنتی باشند، در سن پائین تن به ازدواج دهند و سلطه مردان بر خود را بپذیرند. امروزه زنان می خواهند علاوه بر زن یک همسر خوب بودن در جامعه حضور داشته باشند و در عرصه های عمومی به فعالیت بپردازند. زنان با تحصیلات بالا به دنبال توزیع قدرت در ساختار خانواده و داشتن نقش در تصمیم گیریهای خانواده و تربیت کودکان می باشند. اما واقعیت این است که آموزه های مردسالارانه با تحولات ایجاد شده امروزی سنخیت ندارد. به عبارت دیگر، مردان روحیه مردسالارانه شان را حفظ کرده اند. اما، زنان دیگر حاضر به پذیرش آن نیستند. چنین وضعیتی به تعارض بین ارزشهای سنتی و مدرن منجر شده که سبب افول ازدواج یا افول تعهد در ازدواج گردیده است.

در راستای برابری ایجاد شده در امر آموزش و وجود الگوهای سنتی، وضعیت ازدواج جوانان باز هم دستخوش دگرگونیها و نابسامانی گردیده است. امروزه اکثر رشته های تحصیلی مورد نیاز در بازار کار اشیاع شده و این وضعیت ازدواج جوانان را تحت تأثیر قرار داده است. به طور کلی در جامعه ما، جوانان نه با انگیزه‌ی کسب علم بلکه به

امید دستیابی به شغل مناسب و پسندیده به لحاظ اجتماعی وارد دانشگاه می شوند. در واقع، در جامعه ای که مرد وظیفه نان آوری و سرپرستی خانواده را برعهده دارد، بالطبع، ادامه تحصیل در صورتی ارزشمند می باشد که آینده شغلی مرد نان آور خانواده تضمین شده باشد. به این ترتیب، چون در جریان جامعه پذیری به وظیفه نان آوری به مردان محول شده و وظیفه خانه داری و شوهر داری به زن، و زنان در تأمین معاش خانواده مسئولیتی ندارند، لذا مردان دیگر رغبتی به ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه ندارند و آن را نوعی اتلاف وقت می دانند. آنها ترجیح می دهند که هر چه سریعتر به دنبال وظیفه محوله شان بروند. این امر سبب کاسته شدن حجم پسران در ورود به دانشگاه شده و با توجه به برابری فرصتها زنان فضای خالی را اشغال می کنند.

یکی از کارشناسان در باره نابرابریها در جمعیت دانشجویان دختر و پسر می گوید: "۷۰ درصد دانشگاهیان را دختران تشکیل می دهند و این دختران دیگر مایل نیستند با جوان دیپلمه و یا مدارج تحصیلی پائینتر ازدواج کنند. این عدم همگنی باعث می شود که دختر به ازدواج با پائینتر از خود رضایت بدهد و یا ازدواج نکند" (Online7). این تغییر شرایط، همراه با عناصر مردسالارانه در جامعه، تضاد و تعارضهایی را به وجود آورده که سبب کاهش حجم ازدواج دختران و عدم برابری در ازدواجها و یا تخریب سریع ازدواجها شده است. همچنین، چون زنان به تحصیلات دانشگاهی مبادرت می ورزند سن ازدواج بالا رفته و همه این موارد منجر به کاهش حجم متأهلین شده است. گفته می شود که "علی رغم برنامه های تشویقی و سیاستهای حمایت از ازدواج، شمار متأهلین جوان در میان هر دو جنس کاهش یافته و در عوض، میزان طلاق دارای رشدی معادل ۱۱/۹ درصد، بوده است" (Online5).

از جمله مسائل اجتماعی دیگر که بعد جمعیت شناختی دارد، تعداد جوانان موجود به تفکیک جنس است. بررسیهای آماری رشد جمعیت گویای آن است که تعداد دختران آماده ازدواج نسبت به تعداد پسران فزونی یافته است؛ چنانکه مقایسه شمار دختران متولد سال ۱۳۵۵-۱۳۵۰ که اکنون ۲۵ تا ۳۰ سال دارند با تعداد پسران متولد سال ۱۳۵۰-۱۳۴۵ که ۳۰-۳۵ سال دارند - به دلیل آن که بیشتر پسران جوان مایل به ازدواج با دختری از گروه سنی پایینتر از خود هستند - و نیز شمار دختران ۱۳۶۰-۱۳۵۵ که اکنون ۲۴-۲۰ ساله‌اند با پسران متولد سال ۱۳۵۰-۱۳۵۵ که اکنون ۳۰-۲۵ ساله‌اند نشان می‌دهد، تعداد ۱۲۵۸۹۱۴ نفر از دختران مازاد هستند و ممکن است برای همیشه بدون همسر باقی بمانند :

تعداد دختران ۲۰-۲۴ سال فعلی	۳۵۳۵۶۷۲ نفر
تعداد پسران ۲۵-۲۹ ساله فعلی	۲۵۶۶۴۵۳ نفر
تعداد دختران ۲۵-۲۹ ساله فعلی	۲۶۵۵۵۲۹ نفر
تعداد پسران ۳۰-۳۴ ساله فعلی	۲۳۶۵۸۳۴ نفر

(Online6)

در مقاله ای دیگر آمده که آمار دختران واجد شرایط ازدواج در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال را در سال ۳،۷۵ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۶۷۲ نفر و در سال ۸۰، ۴ میلیون و ۴۴۵ هزار و ۴۵۱ نفر اعلام کرده است. مازاد دختران ازدواج نکرده در سال ۸۰، ۸۸۸ هزار و ۵۲ نفر بوده و این درحالیست که مازاد پسران ازدواج نکرده در همین سال تنها حدود ۱۰۰ هزار نفر بوده است. همچنین بر اساس آمار دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تعداد مازاد دختران ۱۵ تا ۲۹ سال که شانس کمتری برای ازدواج دارند، در سال ۸۰، یک

میلیون و ۵۸۹ هزار و ۵۱۴ نفر است" (Online6). حجم پائین پسران نسبت به دختران به همراه عدم همسانی در تحصیلات آنان، سبب ناهمگنی جمعیت دختر و پسر گردیده است.

"نظر سنجی اخیر سازمان ملی جوانان نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد افراد مورد بررسی، تحصیل را عاملی در تأخیر سن ازدواج می دانند. در عین حال، معتقدند اگر امکان ادامه تحصیل وجود داشته باشد، بهتر است دیرتر ازدواج کرد و فرصتهای تحصیلی و شغلی را از دست نداد. در این مورد، جوانان زن بیشتر از جوانان مرد معتقداند که ازدواج در سنین پائینتر فرصت تحصیل و اشتغال را از دختران سلب می کند" (Online5).

شکل گیری پدیده جوانی در کشور و علاقه به تحصیل و کسب شغل مناسب سبب شده است تا سن ازدواج جوانان به تأخیر بیفتد؛ به نحوی که در حال حاضر سن ازدواج پسران از ۲۵ به ۲۷ و دختران از ۱۸/۵ به ۲۲/۵ سال رسیده و در نتیجه فاصله سنی زوجین، کم و تأخیر در ازدواج به مسأله ای جدی در جامعه تبدیل شده است. سن ازدواج در کشور را از ۱۵ سال تا ۲۴ سال خواند و بیان کرد: در حال حاضر به طور متوسط بر اساس میانه سنی افراد واجد شرایط، باید هر سال ۷۵۰ هزار واقعه ازدواج در کشور روی دهد؛ این درحالی ست که آمار ازدواجهای ثبت شده سالانه کمتر از ۶۰۰ هزار نفر بوده است و در نتیجه، هر سال ۱۵۰ هزار نفر از دسترسی به ازدواج محروم می شوند؛ بنابراین نرخ رشد ۷/۹ درصدی ازدواج نسبت به نرخ رشد جمعیت و افراد واجد شرایط ازدواج تغییر محسوسی نکرده است" (Online2).

اقتصاد جامعه یکی از ابعاد اجتماعی جریان زندگی افراد را شامل می شود. با توجه به تشریفاتی بودن مراسم ازدواج از قبیل خرید مربوط به مراسم عروسی و نیز پر هزینه بودن زندگی، جوانان یا تمایل به ازدواج نشان نداده و زندگی مجردی را انتخاب

می کنند و یا سن ازدواج در بین آنان به تأخیر می افتد. تحقیقات فراوان انجام شده درباره چرایی به تأخیر افتادن سن ازدواج یا عدم گرایش به ازدواج بر بعد اقتصادی آن تأکید فراوان می نماید. در پژوهشی که بوسیله صادقی انجام گرفته، بیکاری و نداشتن شغل دائم پسران مهمترین مشکل ازدواج جوانان استان همدان شناخته شده است (صادقی، ۱۳۸۳: ۸۶). در یک مطالعه ملی، نداشتن شغل و بیکاری اولین مشکل مطرح شده از سوی پسران جهت تشکیل زندگی خانوادگی بوده است (Online8).

در حقیقت در این دوره، با افزایش جمعیت جوان و اشباع شدن برخی از مشاغل بر حسب نیاز به تحصیلات دانشگاهی، بیکاری در بین جوانان افزایش یافته است. بر اساس یک گزارش تعداد بیکاران کل کشور جمعیتی بیش از سه میلیون نفر را شامل می شود که از این میان ۸۷ درصد (دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) از آنان را جوانان تشکیل می دهند. مطالعه های تطبیقی نشان می دهد که در میان قشر جوان، نرخ بیکاری جوانان ایرانی بین ۱۵ تا ۲۴، سال نسبت به بیشتر کشورهای دنیا، همواره بالاتر بوده است (online9). بررسیهای اکونومیست نرخ بیکاری ایران در سالهای ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ را به ترتیب ۱۲، ۱۲/۵ و ۱۳ درصد اعلام کرده است. در همین حال، بر اساس این پیش بینی نیروی کار ایران در سال جاری میلادی به ۲۳/۷ و در سال ۲۰۰۶ به ۲۴/۳ میلیون نفر خواهد رسید و از سوی دیگر نیروی کار ایران در سال ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نیز به ترتیب به ۲۵، ۲۵/۷ و ۲۶/۴ میلیون نفر افزایش خواهد یافت (همان).

مسأله مسکن که ویژگی دیگر وضعیت اقتصادی جوان را شامل می شود، از جمله مشکلاتی است که سبب کاهش حجم ازدواج در بین جوانان امروز گردیده است. "با توسعه اطلاعات بهداشتی، رشد سلیقه های شخصی، تجمل دوستی و استقلال جویی



فردی، تهیه مسکن مناسب یکی از مهمترین تأملات و مشکلات جوانان ایرانی است که در تشکیل عائله با آن روبرو می شوند. به این ترتیب، جوانان در ایران سه مسأله را جزو مسائل و مشکلات اساسی خود در امر ازدواج می پندارند: کار، مسکن و وجود مهریه های بالا" (ذولفقاری، ۱۳۷۷: ۲۴۲).

رسانه ها به عنوان ابزار اشاعه فرهنگ در جامعه، از دیگر عناصر دخیل در جریان زندگی جوانان می باشند. تلویزیون از جمله رسانه های بسیار اثرگذار می باشد. در بررسی اجتماعی محتوای برخی فیلمهای تلویزیونی سالهای اخیر، به نظر می رسد فیلمها با محتوا و سوژه انتخابی، تغییراتی را در نگرش نسبت به ازدواج، معیارهای همسرگزینی، نحوه همسرگزینی و نگرش نسبت به جایگاه زن ایجاد می کنند.

آنچه در فیلمها و سریال های تلویزیونی مشاهده می شود، معمولاً سوق دهنده جوان به سوی ویژگی های ظاهری ست و به ویژگیهای درونی فرد توجهی نمی شود. در بسیاری از سریالها دختران و پسران جوان با یک اتفاق ساده و یا با یک برخورد کوتاه، عاشق یکدیگر شده و بدون بررسی صفات و ویژگیهای درونی همدیگر، اقدام به ازدواج می کنند (Online10). مهکام، با نشان دادن تصویر ازدواج در رسانه ها، در مقاله ای نمونه هایی از سطحی شدن ملاکهای ازدواج در سریالها را نشان می دهد: در سریال «مسافر»، منیژه دختر معتادی است که بر سر راه رضا قرار می گیرد و مجید، دایی منیژه که او هم معتاد است، بر سر راه پزشکی به نام افسانه قرار می گیرد و با چند اتفاق ساده، بسیار به یکدیگر علاقه مند می شوند. در سریال «شب دهم»، حیدر با یک نگاه، عاشق فخرالزمان می شود. در سریال «نسیم رؤیا»، دکتر رضا با یک نگاه، عاشق فرزانه می شود و در نهایت با هم ازدواج می کنند (همان).

ملاکهای اقتصادی و اجتماعی مطرح شده در سریالهای تلویزیونی نیز حاکی از مادی شدن و حسابگری در انتخاب همسر است. "در خواستگاریها، خانواده دختر ابتدا از شغل، درآمد، خانه، ویلا، ماشین و امکانات مالی داماد می پرسند. در برخی فیلمها زمانی که مادر دختر اعلام می کند که دخترشان حاضر به ازدواج نیست، پدر می گوید: می دانی شغل پدر داماد چیست؟ - او به تنهایی نصف بازار را صاحب است" (همان).

بر حسب سه زمان بیولوژیکی، تاریخی و اجتماعی شرح داده شده برای جریان زندگی، پدیده ازدواج جوانان در زمان حاضر بغرنج و مسأله دار است. شواهد گویای آن است که در هر سه بعد جریان زندگی و در تقابل با یکدیگر، امکان یک ازدواج مثمر ثمر بسیار کم شده است.

حوادث تاریخی، انقلاب و جنگ سبب به وجود آمدن شرایط خاص اجتماعی و جمعیتی شده است که این شرایط نیز به نوبه خود وضعیت جدید ازدواج را به وجود آورده است. دیویس معتقد است که تغییر دموگرافیک و پاسخ به آن امری مستمر نیست، بلکه رفتار و انعکاسی ست که در نتیجه تغییر در دیگر مؤلفه ها پدید می آید (Davis, :37). دیویس با بررسی کشورهایی که بعد از انقلاب صنعتی در آنها دگرگونیهای عظیم روی داده، به برخی از پیامدهای تغییرات اشاره دارد. وی می گوید: پس از یک دوره تغییرات اجتماعی، کاهش سرعت ازدواج و افزایش مجرد قطعی از جمله پیامدهای تغییرات در جامعه می باشد (Ibid:38). از آنجا که انقلاب اسلامی نیز در ایران تحولات شگرفی در بعد فرهنگی و اجتماعی پدید آورد و جنگ باعث تحولات جمعیتی و اقتصادی گردید، نتایج به دست آمده از تحقیق دیویس را می توان به شرایط کنونی جامعه ایران در ارتباط با

ازدواج تعمیم داد. در واقع تغییرات اجتماعی در یک برهه زمانی بر جریان زندگی افراد آن جامعه اثر می گذارد.

در نهایت سه خصوصیت بحرانی در نتیجه این جریان زندگی در بین جوانان در ارتباط با ازدواج جوانان به وجود آمده است:

۱- افزایش مجرد و کاهش تمایل جوانان به ازدواج حاصل جریان زندگی آنان می باشد. "گزارشها حکایت از افزایش ۷/۳ درصدی تعداد جوانان مجرد کشور در سال دارد. این در حالی ست که رئیس سازمان ملی جوانان اعلام می کند که میزان رشد جمعیت جوان کشور ۱/۴ درصد در سال است" (Online1). همچنین گفته می شود که ۲۷ درصد جوانان تهرانی بتنهائی زندگی می کنند و یک واحد مسکونی مستقل دارند. (Online1). در واقع افول تعهد در تشکیل زندگی خانوادگی، تسلیم مسؤلیتهای زندگی نشدن و عدم پذیرش تشریفات ازدواج از سوی جوانان امروز سبب بروز پدیدهی زندگی مجردی در بین جوانان، بویژه در شهر بزرگی چون تهران، گردیده است. البته این پدیده در جهان امری متداول است، اما در ایران که سنت ازدواج مورد تقدیس قرار گرفته و در سنت دینی ما نیمی از ایمان فرد مسلمان در نتیجه ازدواج به دست می آید، پدیده ای ست غیرطبیعی، پدید آمده بر حسب نگرش جنسیتی به زن و دارای نتایج بسیار نامناسب. مجرد، علاوه بر آسیبهای روانی که به فرد وارد می کند، دارای تبعات اجتماعی نیز می باشد. "سخت بودن شرایط ازدواج به طور حتم به کاهش آن منجر شده و به تبع آن آسیب های اجتماعی فراوانی از جمله فساد و ناهنجاری های جنسی را به دنبال خواهد داشت" (Online4).

۲- شکاف سنی ازدواج جوانان و تغییر در الگوی ازدواج، ازدواجها کم تر در یک سن متعادل روی می دهد. اغلب ازدواجها یا در سن بسیار پائین صورت می گیرد و یا با

تأخیر همراه است که هر دو مشکل آفرین است. این ویژگی به تغییر الگوی ازدواج از ازدواجهای نظم دار به ازدواجهای عاشقانه مرتبط می گردد. بر حسب آزادیهای که جوانان پس از یک دوره محدودیت به دست آورده اند، دختر و پسر در سن پائین با هم آشنا می شوند و به دلیل سنتهای حاکم بر خانواده ها نمی توانند خارج از چارچوب ازدواج باهم باشند، تن به ازدواج می دهند. اما پس از ازدواج با مسؤولیتهای سخت و سنگین زندگی و نداشتن راهنما و هادی در زندگی و عدم بلوغ اجتماعی و اقتصادی دچار تنگناها و مشکلاتی می شوند. از آنجا که ازدواجهای عاشقانه بر حسب ملاکهای عقلانی صورت نمی گیرد و صرفاً بر روی عواطف پایه گذاری می شود، براحتی دچار شکست و از هم پاشیدگی می شود. به علاوه، چون در تقابل با هنجارهای مرسوم جامعه قرار می گیرد موجب شکل گیری تضادهای رفتاری می شود. روابط عاشقانه از سوئی نیازمند آزادی زن است و از سوی دیگر، نگرش سنتی مردان، زنان را به عنوان ناموس در نظر می گیرند و این دو نگاه به زن با یکدیگر در تضاد و تعارض می باشند.

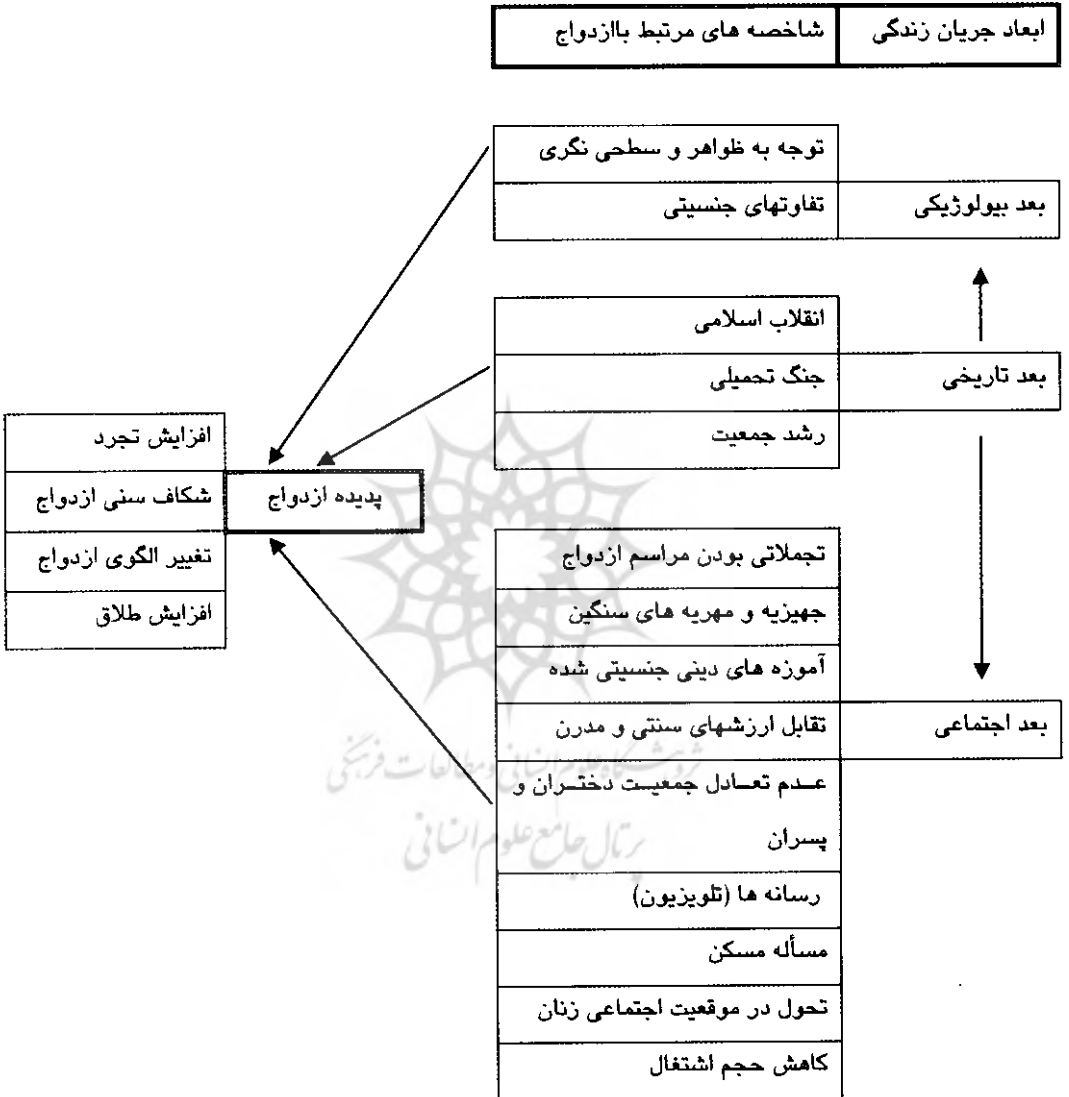
برخی از ازدواجها نیز که به دلیل فراهم نبودن شرایط تشکیل زندگی و یا ادامه تحصیل جوان در سنین بالا روی می دهد، خالی از معضل نبوده و باعث بروز مشکلات روحی و روانی و یا انحرافات جنسی برای برخی از افراد می شود.

۳- بالا رفتن حجم طلاق پس از یک دوره کوتاه زندگی مشترک. "تعداد طلاقها در سال ۶۵، ۳۵ هزار و ۲۱۱ فقره بود که در سال ۸۲، ۷۲ هزار و ۳۵۹ فقره اعلام شده و شاهد رشد ۱۱/۹ درصدی طلاق بوده ایم (Online11). بسیاری از طلاقها در سالهای اول ازدواج روی می دهد که این امر خود سبب پائین آمدن سن طلاق شده است. گفته شده است که طلاق بیشتر در گروههای سنی ۲۶-۲۳ ساله دیده می شود و در گروههای سنی ۲۹ سال به بالا

درصد طلاق تا حدودی کمتر است(همان). بر حسب شکاف سنی در ازدواج می توان گفت که بسیاری از طلاقها مربوط به جوانانی ست که بر حسب احساسات و بدون آمادگی لازم جهت پذیرش مسئولیت زندگی خانوادگی مبادرت به ازدواج نموده اند. در واقع چون ازدواجها ملاک صحیحی ندارند و در یک فضای اجتماعی که سنت و مدرنیته در آن در تقابل باهم قرار دارند، روی می دهند، منجر به طلاق می شوند.



## الگوی ازدواج جوانان بر حسب رویکرد جریان زندگی



## نتیجه گیری

رویکرد جریان زندگی با در نظر گیری سه بعد زمانی تاریخی، بیولوژیکی و اجتماعی، گذر و مسیر گذر زندگی افراد را نشان می دهد. در ارتباط با ازدواج، رویکرد جریان زندگی، سه بعد تاریخی، بیولوژیکی و اجتماعی که سبب تعیین مسیر و تغییرات در امر ازدواج می شوند را نشان می دهد.

در بعد بیولوژیکی، تجاربی که فرد از زمان کودکی تا دوره نوجوانی می آموزد سبب شکل گیری ملاکهای ازدواج در ذهن وی می شود. جوانی که از دوران بچگی در هر محفلی ازدواج را نوعی پاسخ به نیاز جنسی معنا نموده، به تجربه در می یابد که برای رفع نیاز جنسی باید ازدواج کند و رفع نیاز جنسی نیاز تام به صرف توجه به ظواهر طرف مقابل دارد که سبب چشم پوشی از سایر جنبه ها می گردد.

بعد تاریخی که امروزه سبب تغییر مسیر ازدواج جوانان گردیده در این پژوهش به انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و در نتیجه رشد برهه ای جمعیت در برهه ای زمان نسبت داده شده است. با ظهور انقلاب اسلامی ارزشهای جدیدی پدید آمد که ازدواج جوانان امروز را تحت الشعاع قرار داد. سیاستهای اتخاذ شده در دوران جنگ تحمیلی آثاری در پی داشت که امروزه ازدواج جوانان از آن اثر می پذیرد. رشد جمعیت در برهه ای از زمان نیز سبب افزایش نیروی جمعیت جوان امروز و عدم تعادل در میزان جمعیت دختران و پسران گردیده است.

سومین بعد جریان زندگی، بعد اجتماعی آن است که در ارتباط با ازدواج ویژگیهای چون تجملاتی بودن مراسم ازدواج در فرهنگ ایرانی، وجود مهریه ها و جهیزیه های سنگین، عدم تعادل در جمعیت دختران و پسران در سن ازدواج، مسأله بیکاری

و مسکن جوانان، تقابل بین ارزشهای سنتی و مدرن در جامعه و تغییر در موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان را شامل می شود.

ابعاد جریان زندگی جوانان در جامعه امروز گویای آن است که همه این ابعاد در امر ازدواج برای جوان مسیری را به وجود می آورند که در نهایت جوانان، ازدواج موفق نداشته باشند و یا اصولاً از ازدواج روی گردان شده و یا امکان ازدواج برای شان به سختی فراهم شود. با ابعاد شرح داده شده جریان زندگی جوانان، در واقع یک نوع تغییر الگوی ازدواج به جود آمده که در راستای موفق نشدن ازدواجها و یا افول تعهد در ازدواج می باشد. تبعات چنین جریان زندگی در ارتباط با ازدواج برای جوانان رشد فزاینده‌ی انحراف جنسی، افسردگیها، طلاقهای بی‌شمار و افزایش میزان مجرد در بین جوانان می باشد.

تغییر در سیاست گذاریها، تغییر در جریان جامعه پذیری فرزندان و زدودن غلط‌های موجود در سنت ازدواج از مهمترین تدابیری است که در زمینه ازدواج جوانان می‌بایست به طور جدی مد نظر قرار گیرد. در راستای تغییر نگرش‌های مربوط به زن و مرد در جامعه و جنسیت زدائی در روابط اجتماعی می‌بایست فرهنگ سازی عمیقی صورت گیرد و فارغ از نگاه جنسیتی در وهله اول به زن و مرد به عنوان شهروند نگریسته شود. تفکیک نمودن زنان و مردان در روابط اجتماعی و تأکید بر تفاوت‌های جنسی آنان، نه تنها از انحراف جنسی در جامعه نمی‌کاهد، بلکه نگاه جنسیتی را تشدید می‌نماید. به علاوه، تغییر نگرشها در جریان جامعه‌پذیری از همان اوان کودکی می‌بایست مد نظر قرار گیرد و روابط خانوادگی به گونه‌ای شود که سبب جنسیت زدائی در روابط دختران و پسران گردد. تفکیک نقشها و برچسب‌های زنانه و مردانه زدن روی



آنها و انگشت گذاردن بر آموزه هائی که نگرش جنسیتی را تقویت می کند با تحولات اجتماعی امروز، از جمله ورود زنان به عرصه آموزش عالی و اشتغال سازگاری ندارد. به طوری که ثمره آن ازدواجهای است که در پس آن یک ساختار ذهنیتی مردسالارانه نهفته و با تحولات جامعه امروز همخوانی ندارد که این امر خود سبب تخریب زندگی زناشویی می گردد.

از جمله ویژگیهای بعد اجتماعی که ازدواج جوانان را مسأله دار نموده و سبب افزایش مجرد گردیده، عدم تعادل جمعیتی ست که در آن تعداد دختران بیش از پسران گزارش شده است. عدم تعادل موجود با عرف مربوط به کمتر بودن سن دختر در هنگام ازدواج نسبت به پسران سبب گردیده تا این مشکل دو چندان شود. از جمله تدابیری که می توان برای رفع این مشکل از زندگی جوانان اتخاذ نمود، تشویق ازدواج دختران و پسران هم سن و سال است که در این زمینه بایستی فرهنگ سازی شود.

کمکهای مالی دولت از جمله، اعطای وامهای طولانی مدت و ایجاد اشتغال برای جوانان، می تواند در ترغیب آنان به ازدواج جهت سالم ماندن فضای اجتماعی کمک نماید. البته لازم به ذکر است که کمکهای مالی دولت در صورتی می تواند به کاهش مشکلات ازدواج جوانان کمک نماید که در جریان جامعه پذیری جوانان راجع به نقش های جنسیتی تغییر به وجود آید. تلاش های پایه ای و زیربنایی در راستای فرهنگ سازی صحیح است که می تواند تلاشهای مادی را در این راستا مثمر ثمر سازد.

## منابع فارسی

- ۱- امیر خسروی، ارژنگ (۱۳۸۰). مرور مقدماتی آمارهای طلاق دهساله اخیر کشور، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۵.
- ۲- ایران محبوب، جلیل(۱۳۸۳). رهیافت جریان زندگی در مطالعات جمعیت شناختی، فصلنامه جمعیت، شماره ۵۰.
- ۳- ایران محبوب، جلیل و اصغر میرفردی (۱۳۸۲). بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۳۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۷-۴۶.
- ۴ - حق دوست، علی اکبر و دیگران(۱۳۷۴). بررسی دیدگاهی دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج، مجله اندیشه و رفتار، شماره ۳.
- ۵ - رشوند، علی اکبر(۱۳۸۳). بررسی وضعیت ازدواج جوانان در استان قزوین، نشریه دروازه بهشت، شماره ۱۰.
- ۶- رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۷). توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۷- زارع شاه آبادی، اکبر و علی رضا زارع شاه آبادی(۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۰-۳۹.
- ۸ - ذوالفقاری، (۱۳۷۷). بررسی مشکلات ازدواج جوانان و ارائه راه حل‌های مناسب، مجله فرهنگ قومس، شماره .
- ۹- سالنامه های آماری سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ کل کشور و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
- ۱۰- صادقی، رسول(۱۳۸۳). مسأله ازدواج، مسائل و مشکلات ازدواج از دیدگاه جوانان استان همدان، نشریه فرهنگ همدان، شماره ۳۷-۳۶.
- ۱۱- شهابی، محمود(۱۳۷۳). انتخاب همسر در بین خانواده های تهرانی، مجله زنان، شماره ۱۱.
- ۱۲- فرجاد، محمد حسین(۱۳۷۲). آسیب شناسی اجتماعی، تضادهای خانواده و طلاق، تهران انتشارات منصوری.

## منابع انگلیسی

- 13- Martin, P; D, Specter; G, Martin(2003). "Expressed Attitudes Of Adolescents Toward Marriage and Family Life", *Adolescence*, No:12.
- 14- Davis, K(1963 ). *The Theory Of Change and Response in Modern Demographic History in Population Growth and Decline in History*, *Population index*. 29(4):345-66
- 15-Online1  
<http://www.sharghnewspaper.com/830202/life.htm>
- 16- Online2  
[http://zanan.iran-emrooz.de/more.php?id=1320\\_0\\_10\\_0\\_M](http://zanan.iran-emrooz.de/more.php?id=1320_0_10_0_M)
- 17- Online3  
<http://www.iranwomen.org/zanan/PAPERS.HTM>
- 18- Online4  
<http://www.kayhannews.ir/840903/5.htm>
- 19- Online5  
<http://roozonline.com/01newsstory/009463.shtml>
- 20- Online6  
<http://www.nyoir.org/marriagedesign/S-2-Marriage.htm>
- 21- Online7  
[http://www.fpm.ir/archive/no\\_155/links/reports/01.htm](http://www.fpm.ir/archive/no_155/links/reports/01.htm)
- 22- Online8  
<http://www.iran-tribune.com/web/javanan/archives/001016.html>
- 23- Online9
- 24- Online10  
<http://www.iranwomen.org/zanan/PAPERS.HTM>



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ